ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۶ | اذان مغرب ۱۷/۱۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۱ | اذان صبح فردا ۵/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۳

سخن روز

حضرت زهرا(س): هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.

بحار:ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵

رضا رویگری: کار کردن در کرونا از پرداخت اجاره‌خانه دشوارتر نیست

دیگر چیزی از عمر نمانده است. دلم می‌خواهد هر قدرِ دیگر که هستم، در آرامش بگذرد؛ هیچ چیز برایم از آرامش و سلامتی مهمتر نیست؛ اگر بتوانم فیزیوتراپی‌ام را ادامه بدهم و هفته‌ای سه‌ـ چهار جلسه بروم، خوب می‌شوم. کار کردن در روزهای کرونایی از پرداخت اجاره‌خانه سخت‌تر نیست. تصویربرداری سریال «المپیادی‌ها» هنوز تمام نشده است. من برای مدتی آمدم تهران اما دوباره باید به مشهد برگردم.

سخنان بازیگر پیشکسوت سینما در آستانه ۷۵ سالگی در گفت و گو با ایسنا

منه دل بر سرای عمر سعدی
که بنیادش نه بنیادیست محکم
برو شادی کن ای یار دل افروز
چو خاکت می خورد چندین مخور غم

نـــگاره

محسن ناصری

کرونای جهش یافته انگلیسی

یادداشت

وجه ادبی داستان‌ها را فدای فرهنگ‌سازی نکنیم

محمدرضا شمس
نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان

طی یک دهه اخیر شاهد توجه بیشتر اهالی کتاب به خلق داستان‌هایی حول موضوعات مرتبط با محیط زیست هستیم؛ این مسأله برآمده از کارکرد نهفته در ادبیات است. البته در نگاه‌های این‌چنینی منکر ضرورت اولویت ادبیات داستان‌ها بر دیگر وجوه احتمالی آنها نیستم اما مسأله اینجاست که بنا بر ضرورت می‌توانیم از ادبیات به‌عنوان ابزاری قدرتمند در فرهنگ‌سازی هم از آن بهره بگیریم.

نقش ادبیات در فرهنگ‌سازی آنقدر مهم و مؤثر است که در صورت استفاده صحیح از آن می‌تواند حتی به اصلاح نسل‌ها بینجامد. بهترین مصداق آن را می‌توان در تأثیری دید که «رولد دال» خالق آثار مشهوری همچون «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» بر تغییر نظام آموزشی به جای گذاشت و آن را ناچار به پوست‌اندازی کرد. بنابراین با ادبیات می‌توان به‌سوی زندگی و جهانی بهتر قدم برداشت. نکته‌ای که در این‌بین اهمیت بسیاری دارد چگونگی خلق آثار این‌چنینی است.

اگر نویسنده به‌قصد تألیف اثری با مضمون‌های آموزشی به سمت ادبیات برود باید حواسش باشد که ادبیات کار را فدای پیامی که قصد انتقال آن را دارد نکند. در غیر این صورت نه‌تنها هیچ تأثیری بر مخاطب به‌جای نمی‌گذارد بلکه حتی ممکن است او را برای همیشه از کتابخوانی دور کند. بهره‌مندی این‌چنینی از ادبیات نیازمند صرف دقتی به‌مراتب حتی بیشتر از آثار صرفاً داستانی است. در همین رابطه هم با برخی اهالی کتاب مشغول تألیف مجموعه کتاب‌هایی با کارکرد حمایت از پرندگان و جانوران در حال انقراض هستیم که از سوی انتشارات کانون فکری و پرورشی کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود؛ در این مجموعه دیگر دوستانی نظیر آقای مصطفی رحماندوست هم همکاری دارند. داستانی که از من در این مجموعه منتشر می‌شود داستان «زاغ بور» است.

گذشته از این کتاب چند اثر دیگر هم آماده انتشار دارم، ازجمله مجموعه «سیب و جیب» که دربردارنده ۱۲-۱۳ داستان کوتاه است که هنوز امکان انتشار آن فراهم نشده؛ اتفاقاً خودم داستان‌های این کتاب را خیلی دوست دارم، تصویرسازی آن‌هم به اتمام رسیده و در انتظار انتشار آن از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستم.

دو کتاب دیگر هم آماده چاپ دارم که آنها با همکاری محراب قلم منتشر می‌شوند؛ «تفنگی که شلیک نکرد». این کتاب درباره تفنگی است که دلش نمی‌خواهد به کسی شلیک کند. دیگری هم کاری با عنوان «خاله شاخه نبات» است؛ خاله شاخه نبات دیوی است که عروسی هرکسی که برود تکه‌ای از شاخ خودش را شکسته و به آنان هدیه می‌دهد تا خوشبخت شوند. هرچند با اوضاع‌واحوال اقتصادی فعلی نمی‌دانم کی امکان انتشار آنها فراهم شود.

پیاده‌رو

با مرور پوستر جشنواره شعر فجر و در غیاب «هویت بصری»

شعر شرط ندارد

ارمغان بهداروند
شاعر

اعتباربخشی به یک رویداد پیشتر از خود رویداد باید اتفاق بیفتد و این پیش‌اندیشگی وقتی به تمامی محقق می‌شود که همه هندسه ایجاد شده رویداد، به خلق هویتی هماهنگ تدوین شده و همه اضلاع آن مُقوّم هم باشند. طراحی جشنواره برای «شعر» که به عادت عزلت و انزوا مبتلا بوده است، باید به بلوغ اجتماعی و همه‌گیری آن منتهی شود و عاملیت ادبیات را در هدایت‌گری جامعه و نقش‌آفرینی در تحولات پیش چشم داشته باشد. شاید تلقی رقابتی بودن یک جایزه سهمی در نشاط شاعران یا لااقل بخشی از جمعیت متکثر آن داشته باشد اما لزوماً عنصر «رقابت» نمی‌تواند هدف غایی تلقی شود و فضیلتِ جشنواره را باید در تعمیم ادبیات و رابطه‌بخشی با توده‌ها و کارکرد اجتماعی آن جست‌وجو کرد.

کارکرد غایی که در ادوار جایزه شعر فجر، متأثر از اطلاق دولتی بودن و فقدان دبیرخانه مستقل، امکان ورود تام و تمام به فضای ادبی و جلب اعتماد شاعران را نداشته است. رویدادی ادبی که منتهی‌الیه چالش‌هایش نه تولید ادبی و تربیت شاعر و توسعه کیفی شعر که انتخاب هیأت‌های علمی و دبیر و دربرگیری انتفاع همه سهم خواهان از این جایزه بوده است. در چرخه برگزاری دوره‌های اخیر که با واگذاری تولیت اجرایی جشنواره به مؤسسه غیردولتی شعر و ادبیات داستانی ایرانیان توأمان بوده است، نشانه‌های امیدوار کننده‌ای هم‌چون «بهره‌مندی از توان نیروهای تازه‌نفس» و «توجه به نسل نوی شعر»، «تخصیص اعتبار مالی به‌نام شعر»، «تدوین نظام تقویمی جشنواره» و «دربرگیری جریانات ادبی» به چشم می‌خورد که به خودی خود شعر و خاصه جشنواره شعر را از خاموشی‌های خبری و برگزاری در سکوت خارج کرده است. بهبودی حداقلی که باید با توجه‌بخشی بهنگام‌تر و بیشتر به اراده شاعران و توسعه مقبولیت حرفه‌ای خویش، راه دور اقبال و استقبال عام مخاطبان را پشت بگذارد و به فراخور ادبیات کوشنده امروز، به روزآمدی خود و رابطه‌آفرینی با شاعران بیشتر بیندیشد. این مسئولیت بر عهده نظام دبیرخانه‌ای جشنواره شعر فجر است که باید با تأکید بر اصالت شعر، اولویت مخاطب و تمرکز بر مسئولیت مدنی شعر بدان جامه عمل بپوشاند. «هویت بصری» جشنواره از مهم‌ترین این پیش‌اندیشی‌هاست که به تناسب فراخوان اثر باید شکل بگیرد و دعوت‌نامه سرگشاده‌ای برای همه شاعران باشد. قاعدتاً حرکت به سمت حرفه‌ای شدن جایزه از همین تعمیم اندیشه اجرایی و کارکرد مدنی در قالب نشانه‌هایی هم چون «پوستر» آغاز می‌شود. اولویتی که قطعاً باید با مشاوره متخصصان هنرهای تجسمی و بر اساس فرضیات جشنواره و افق‌محوری تدارک دیده شود و بیش از هر چیز از چنان ارزشی برخوردار باشد که به‌عنوان یک اثر هنری در خاطر باقی بماند.

آنچه در این دوره به‌عنوان پوستر و شاخصه بصری جشنواره با آن مواجهیم به هیچ وجه نمی‌تواند مؤید سزاواری شعر و شایسته پویایی و جویایی شعر امروز باشد. تمکین به عناصر کلیشه‌ای و مستعمل در اثر، سهل‌انگاری‌های اجرایی، فقدان جذابیت هنری و مفقود بودن شعر چنان مشهود است که ناخودآگاه می‌تواند یادآور ضرب‌المثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» باشد. پوشیده نیست که شعر بواسطه جایگاه الهام‌بخش هنرهای تجسمی از چنان ارزشی در میان طراحان عالیقدر و صاحب‌اعتبار برخوردار هست که به اشتیاق در این رویداد مشارکت کنند و عاقبتی آبرومندانه‌تر بر جای بگذارند که هم به خوش‌احوالی مخاطبان شعر و هم به ارزش‌افزوده جشنواره شعر فجر ختم شود. امیدوار بودم در این دوره با تأکید بر کیفیت مفهومی منطبق با رسالت شعر، رسایی و رسانگی ادبیات و بهره‌مندی از نشانه‌های بصری معقول و مربوط و نام‌واره‌آفرینی متمایز، انگاره‌ای از هنر ایرانی خلق شود که نشد. دریغ این داستان را با آرزو و توقع نواندیشی‌های در اجرای جایزه و مداومت بر حضور پررنگ‌تر شاعران شریف و خلق یک اتفاق کم‌سابقه از یاد خواهیم برد که به قول حافظ: گر دیگران به عیش و طرب خرمند و شاد/ ما را غم نگار بُوَد مایه سرور

پویایی معاهدات بین‌المللی و انطباق با زمانه

پیشنهاد

معاهده‌های بین‌المللی بخش مهمی از حقوق بین‌الملل هستند. معاهده‌هایی که با هر اتفاق، هر تحرک و هر نشیب و فراز بین‌المللی به آنها استناد و براساس‌شان تصمیم گرفته می‌شود. البته معمولاً معاهده‌ها براساس شرایط زمان وضع وتصویب می‌شوند و شرایط و ضرورت‌های زمان اجرای قاعده، ممکن است بسیار متفاوت باشد.

اسماعیل سماوی در کتاب «تفسیر پویای معاهدات بین‌المللی» که به‌تازگی منتشر شده است این تغییرات و پایبندی به این معاهده‌ها را با وجود تغییرات در جامعه جهانی شرح داده است. اینکه نهادهای حل اختلاف می‌کوشند در مقام تفسیر قاعده حقوقی، این نقص را مرتفع کنند و تا جایی که شرایط مهیا باشد، قاعده را به شکل پویا و منطبق با زمان اجرای آن، تفسیر کنند.

البته تغییر دائمی حقوق نوعی بی‌نظمی ایجاد می‌کند اما در مقابل نادیده‌گرفتن تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی حقوق را دچار ناکارآمدی می‌کند. به همین دلیل تعادل میان این دو ضرورت، با انطباق قواعد حقوقی با وقایع اجتماعی امکان پذیر می‌شود. امری که پویایی قواعد حقوقی را به دنبال دارد.

به این نکته هم باید توجه داشت که غیر از قواعد محدودی که برای همه دولت‌ها الزام‌آور هستند، هر دولتی بنابر منافع و صلاحدید خود تعهداتی را می‌پذیرد و ملزم به اجرای آن می‌شود و از قبول تعهدات دیگر، خودداری می‌کند.

بررسی رویه قضایی اعم از آرای محاکم داوری، آرای محاکم خاص مانند نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، دیوان بین‌المللی دادگستری و محاکم حقوق بشری مانند دیوان اروپایی حقوق بشر، نشان می‌دهد که تفسیر قواعد حقوقی در نهادهای حل اختلاف با فرض ایستایی قاعده و پایبندی به قصدی که متعاهدین در زمان انعقاد معاهده داشته‌اند، آغاز می‌شود اما در ادامه، آنجا که برای نهادهای حل اختلاف معلوم شود که قصد متعاهدین پویایی قاعده و تحول معنای عبارات بکار رفته در آن بر اساس شرایط زمان تفسیر یا اجرای قاعده بوده است، این شیوه تفسیر را می‌پذیرند. کتاب «تفسیر پویای معاهدات بین‌المللی» در سه بخش به این مسائل می‌پردازد. در بخش اول مفهوم تفسیر در حقوق بین‌الملل و مفاهیم مشابه و مرتبط با تفسیر پویا بررسی شده است و در بخش دوم تفسیر پویا در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و تفسیر پویا در رویه دادگاه حقوق بشر اروپایی را می‌خوانیم. در نهایت، بخش سوم هم به آرای مبتنی بر تفسیر ایستا، آرای مبتنی بر تفسیر پویا و مبانی حقوقی تفسیر پویا در آرای محاکم بین‌المللی پرداخته است.

این کتاب توسط نشر ثالث در ۲۴۸ صفحه منتشر شده است.

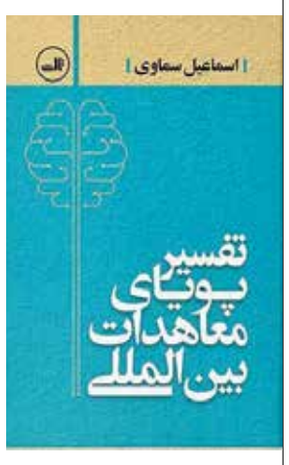

به نام تاریخ

■ ۷ دی

در دویست و هشتاد و سومین روز سال باید از یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایران یاد کنیم که امروز سالروز درگذشت اوست. از سعدی شیرازی که غزلیاتش جزو محبوب‌ترین اشعار ایرانی است.

■ تولدها

خسرو خسروشاهی: دوبلور برجسته ایرانی که همه او را با صدای آلن دلون بازیگر فرانسوی می‌شناسند سال ۱۳۲۰ در چنین روزی به دنیا آمد. خسرو خسروشاهی سال ۱۳۴۱ با راهنمایی احمد رسول‌زاده دوبلور شاخص وارد کار دوبله شد و با دوبله فیلم «زیر آفتاب سوزان» و به جای آلن دلون کارش را آغاز کرد. او در فیلم‌های «یوزپلنگ»، «لاله سیاه»، «رولز رویس زرد»، «زمانی که دزد بودم»، «فرمان گم شده»، «سامورایی»، «خداحافظ رفیق»، «دسته سیسیلی‌ها»، «استخر»، «بورسالینو»، «دایره سرخ»، «آفتاب سرخ»، «یک پلیس»، «دو مرد در شهر»، «عقرب»، «علف‌های سوخته»، «زورو»، «شتاب زده»، «کولی تنها» «مرگ یک مرد فاسد» و «شوک» هم به جای آلن دلون صحبت کرد. علاوه بر این او در فیلم‌های «پدرخوانده»، «سرپیکو»، «مترسک»، «مخمصه» و «بی خوابی» به‌عنوان دوبلور آل پاچینو و در «راننده تاکسی»، «آخرین قانون» و «نیویورک، نیویورک» به‌عنوان دوبلور رابرت دنیرو حضور داشت. خسروشاهی در طول دوران فعالیتش به جای بازیگران سرشناس دیگری مانند داستین هافمن، استیو مک کوئین، جیمز دین، مایکل یورک، کوین کاستنر و جرمی برت هم صحبت کرده است. در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی هم صدای او را در «هزاردستان»، «حادثه» و «دبیرستان» شنیده اید.

محمدرضا فروتن: بازیگر سینما امروز ۵۲ ساله می‌شود. محمدرضا فروتن کارش را سال ۱۳۷۳ با بازی در فیلم‌های «هدف» و «آخرین بندر» آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌های «فتح» و «ماه و خورشید» حضور داشت اما بازی اش در یکی از قسمت‌های سریال «سرنخ» به کارگردانی کیومرث پوراحمد در سال ۱۳۷۵ باعث شد بسیار مورد توجه قرار بگیرد و چند دقیقه پس از پخش سریال بازی در فیلم «مرسدس» مسعود کیمیایی به او پیشنهاد شد و فروتن با این فیلم به شهرت رسید. «فریاد» و «دو زن» هم شهرت فروتن را بیشتر کردند اما فیلم «قرمز» باعث شد تبدیل به ستاره آن زمان شود. «زیر پوست شهر»، «اعتراض»، «متولد ماه مهر»، «شب یلدا»، «ملاقات با طوطی»، «باغ‌های کندلوس»، «به آهستگی»، «وقتی همه خواب بودند»، «اتوبوس شب»، «کنعان»، «محاکمه در خیابان»، «پستچی سه بار در نمی‌زند»، «به آهستگی»، «شبانه روز»، «عیار ۱۴»، «دعوت»، «قصه ها» و «نگار» از دیگر فیلم‌های شاخص فروتن هستند که برای فیلم‌های «قرمز» و «به آهستگی» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد از جشنواره فیلم فجر شد. فروتن در این سال‌ها در سریال‌های «روزهای به یادماندنی»، «از یاد رفته» و «سرزمین مادری» و سریال «مانکن» در شبکه نمایش خانگی هم بازی کرده است. او خوانندگی هم می‌کند و ترانه فیلم «متروپل»، آلبوم «می فهممت» و آهنگ‌های «اینستاگرام»، «هیهات»، «نفس بکش» و «ژنتیک» با صدای او پخش شده‌اند.

ژرار دوپاردیو: بازیگر فرانسوی سال ۱۹۴۸ در چنین روزی به دنیا آمد. ژرار دوپاردیو بازیگری را سال ۱۹۷۸ با فیلم «دستمال‌های خود را آماده کنید» آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌های «آخرین مترو»، «پلیس»، «تمام صبح‌های جهان»، «فتح بهشت»، «مردی در نقاب آهنی»، فیلم‌های «آستریکس و اوبلیکس»، «ناپلئون»، «بانوی تفنگدار» و «پایان جهان» حضور داشت. بازی او در نقش کریستف کلمب در «فتح بهشت» از ماندگارترین کارهای اوست.

● سالروز تولد **میشل پتروچیانی** نوازنده فرانسوی پیانو، **مارلنه دیتریش** بازیگر آلمانی، **سلمان خان** بازیگر هندی و **کیوان ارزاقی** داستان نویس هم امروز است.

■ درگذشت‌ها

سعدی شیرازی: درباره سالروز درگذشت سعدی شیرازی تاریخ‌های مختلفی نوشته شده است اما مورد اعتمادترین آنها را سعید نفیسی روایت می‌کند که می‌گوید، سعدی در ۲۷ ذیحجه سال ۶۹۰ هجری قمری درگذشته است. یعنی ۷ دی سال ۶۷۰ شمسی. درباره زندگی سعدی اطلاعات چندانی در دست نیست اما گفته می‌شود او سال ۵۸۹ شمسی به دنیا آمده و همزمان با حمله مغول‌ها به ایران زندگی کرده است. او در نظامیه بغداد تحصیل کرد و به شام و حجاز هم سفر کرد و کتاب معروفش یعنی «بوستان» را در سال ۶۳۸ شمسی و پس از چندین سال سفر و بازگشت به شیراز نوشت. یک سال بعد «گلستان» را نوشت که یکی از شاخص‌ترین آثار ادبیات فارسی است. هم غزلیات سعدی شهرت دارند هم قصیده‌ها و آثارش به نثر. این دو کتاب باعث شهرت سعدی شد و از آن زمان با لقب‌های استاد سخن، پادشاه سخن و شیخ اجل خطاب می‌شد.

● **رضا مرزبان** روزنامه نگار، **علی رامز** بازیگر و **سرگئی یسنین** شاعر روس هم در چنین روزی درگذشتند.

#کوهنوردان

هشتگ

روز جمعه و به‌دلیل برف سنگین در ارتفاعات تهران تعداد زیادی کوهنورد دچار مشکل شدند و تا ظهر شنبه اعلام شد جسد ۶ نفر از آنها کشف شده است. نجات یافته‌ها هم دچار یخ زدگی شدید شده بودند. ترس و نگرانی برای سرنوشت کوهنوردان را در شبکه‌های اجتماعی می‌دیدیم و خیلی‌ها هم از لزوم رعایت نکات ایمنی و توجه به هشدارها در کوهنوردی می‌نوشتند: «پنج دی روز تلخ کوهستان برای کوهنوردان بود. کوه همیشه مهربون و زیبا و رمانتیک نیست. گاهی اوقات چنان خشمگین میشه هیچکس توانایی

مقابله باهاش نداره و تا حالا کلی کوهنورد به‌خاطر رعایت نکردن اصول کوهنوردی یا گرفتار شدن در طوفان جان خودشونو از دست دادن.»، «ناآگاهی نسبت به شرایط صعود و تفکر ابر قهرمان بودن از دلایل اینهمه حادثه در یکروزه. عزیزان کوهنورد امروز حادثه‌ها آفریدن با صعودهای نا بجاشون.»، «اونایی که این دو روزه با وجود هشدارها رفتند کوهنوردی اشتباه کردند؟ حتماً همین‌طوره. ولی شمای با شعور می‌تونی به احترام خانواده و دوستان نگران، به مفقود شده‌ها بد و بیراه نگی.»، «چرا فکر می‌کنید اگر ۴۰ میلیون لباس و تجهیزات کوهنوردی باهاتون هست دیگه شدین کوهنورد.»، «من علاقه‌مند به کوهنوردی هستم. خودم را کوهنورد نمی‌دانم. متأسفانه دوستان فکر کردند با لباس و پوتین گرانقیمت و شیک سریع کوهنورد می‌شوند. در حالی که کوهنوردی نیاز به آموزش دارد و باید در یک گروه درست و حسابی با دقت زیاد آموزش ببینید. در ضمن اصل اولیه محافظه‌کاری است.»، «افرادی که با پرداخت پول مجوز می‌گیرند برای برگزاری کلاس و کمپ کردن در طبیعت و کوهنوردی و غارنوردی و... مسئول افزایش حوادث طبیعت گردی بی‌ضابطه در ایران هستند. افرادی که حتی دانش کافی برای مواقع بحرانی ندارند و جان مردم برایشان بی‌ارزش است. اما آنکه مجوز می‌فروشد از او هم بی‌مسئولیت‌تر است»، «ببین دوست عزیز هرکی پوتین گرتکس داره و باتوم و لباس دو پوش، کوهنورد نیست. کوهستان شوخی نداره با کسی. تنفستم توی کوهنوردی تأثیر داره. شوخی نگیرین»، «کوهنورد نباید قبل صعود همه چیز روچک کنه؟»، «دوست کوهنورد ایرانی‌ام که خیلی حرفه‌ای است و با کوهنوردان ایتالیایی کار می‌کند یکبار می‌گفت همه چیز فروشی شده. آدم‌هایی که گره زدن معمولی هم نمی‌دانند وکوچک‌ترین ارزشی برای طبیعت و جان مردم قائل نیستند می‌شوند مربی»، «تو حوادث کوهنوردی دیروز تهران چند نفر فوت کردن و چند نفر مصدوم و مفقودی هم داشتیم. به‌نظرتون نباید تو شرایط بد آب و هوایی نهادی وجود داشته باشه که جلو صعود به کوه‌ها و ارتفاعات خطرناک رو بگیره؟»، «تو فکر اون کوهنورد هستم که تو برفا گم شده... چی بهش گذشته»، «حدود ۱۰۰ نفر در ایستگاه هفت توچال گیر افتادند، ۴ نفر در دارآباد و فشم گرفتار بهمن شدند و گم شدند و سرمازدگی ۵ نفر را در کلکچال زمینگیر کرد. چرا؟ چون آموزش در کار نیست، قوانین مربوط به صعود رعایت نمی‌شود و برخی فکر می‌کنند چون پوتین دوپوش دارند، در کوهستان برفی نمی‌میرند.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

علیه تفرقه افکنی

ماجرا

یکی از میهمانان بی‌بی‌سی فارسی حرف‌هایی درباره نوروز زد که ایرانی‌ها را حسابی عصبانی کرد. او گفت: «نوروز خشونت علیه اعراب ایران است.» خیلی‌ها از جمعه شب شروع به اعتراض به این حرف‌ها کردند و آن را تلاش برای ایجاد اختلاف میان ایرانیان و تجزیه طلبی دانستند: «ایران‌ستیزی اینها شکل دیوانه‌واری به خود گرفته. می‌گوید «نوروز خشونت علیه اعراب ایران است.» در چند کشور دنیا کریسمس عید رسمی است و رسماً ۲ هفته همه چیز تعطیل است؟ در ایتالیا به‌عنوان کاتولیک‌ترین کشور اروپا که ۷۴ درصد کاتولیک دارد، کریسمس خشونت علیه ۲۶ درصد دیگر است؟ دیوانه‌ای چیزی هستید؟»، «فرهنگ، روح مشترک یک ملت است و امروز نوروز جامع‌ترین عامل وحدت فرهنگی ما ایرانیان است. مراقب تفرقه ایران‌ستیزانی که به فارسی صحبت می‌کنند باشیم؛ مدتی است روح مشترک و عامل وحدت ایرانیان را نشانه گرفته‌اند.»، «این دیگه چجور تجزیه طلبی و تفرقه افکنیه؟»، «آدم زبانش بند می‌آید از این روشنفکری»، اصلاً می‌توانید تصور کنید کسی چنین جمله‌ای را گفته باشد؟ «تحمیل خشونت‌آمیز جشن نوروز به اعراب خوزستان باعث شده تا جشن‌های خودشان (مانند عید فطر و عید قربان) نادیده گرفته شده و حتی به فراموشی سپرده شود!» ظاهراً ابتذال و بلاهت هیچ مرزی ندارد!»، «بی‌بی‌سی فارسی با دعوت از پلشت‌های بی‌هویت و بی‌سواد شمشیر را برای تجزیه ایران از روبسته ولی غافل از اینکه شتر در خواب بیند پنبه دانه»، «یا دقیقاً نمی‌دانند نوروز چیست یا نمی‌دانند خشونت یعنی چه. یا نمی‌دانند عرب‌ها و عرب زبانان ساکن ایران دقیقاً با نوروز چطور برخورد می‌کنند؟ یا هرسه! الان در سوئد بول یا کریسمس تعطیل رسمی است، الان به مایی که نوروز برایمان عید است خشونت شده؟!»، «نوروز جشن باستانی خاورمیانه بوده که پاسداران آن ایرانی تباران هستند. در عراق و ترکیه و سوریه هم عرب‌ها و علوی‌ها آن را جشن می‌گیرند. وقتی بی‌سوادید مجبور به اظهارفضل نیستید»، «مسیحیان، زرتشتیان، یهودیان و... هم مراسم اسلامی شیعی رو همه برگزار می‌کنن، مراسمی که ظاهری عربی دارند. مزخرف گویی این آدم تمامی نداره کسی نیست بزنه با پشت دست تو دهنش؟ مثلاً کی نوروز رو اجبار کرده؟ چیزی که خطر حذف داره نوروزه.»

عکس نوشت

شیوع کرونا برخلاف بسیاری از هنرها به صنعت حراج‌های هنری و بازار این حراجی‌ها در اروپا رونق بخشید. حراجی‌های بزرگ جهان با استفاده از امکانات و قالب‌های جدید و حراجی‌های آنلاین کارشان را ادامه دادند و رکوردهایی هم ثبت کردند. گران‌قیمت‌ترین فروش‌های امسال نقاشی «کریستین و کرستین» از گرهارد ریشتر هنرمند آلمانی بود که به قیمت ۲ میلیون و ۳۶۶ هزار یورو در حراجی Ketterer Kunst آلمان به فروش رفت و نقاشی رنگارنگ ارنست لودویگ کرشنر به‌نام «خانه ما» هم به قیمت یک میلیون و ۷۰۰ هزار یورو فروخته شد. در میان گرانقیمت‌ترین فروش‌های امسال حراجی Dorotheum، تابلوی زن قرمزپوش در پس زمینه آبی اثر چایم سوتن نقاش معروف روس به قیمت یک میلیون و ۸۰۰ هزار یورو به فروش رفت، یک اثر کلیسایی از پیتر کویکه فن ایلست یک میلیون و ۱۰۰ هزار یورو فروخته شد و زوجی ناشناس تابلویی از گوستاو کلیمت نقاش معروف اتریشی را به قیمت ۴۷۵ هزار یورو خریدند و به موزه لئوپولد وین اهدا کردند.